

شناسایی علل و فرایندهای مؤثر بر پدیده روسپیگری (مورد مطالعه: شهر مشهد)

تاریخ دریافت: 1397/7/18

تاریخ پذیرش: 1398/1/25

سعیده میرابی*¹، مجید فولادیان²

چکیده

روسپیگری³ یا پدیده‌ی زنان خیابانی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است که همه گیر شدن بیماری‌های مقاربتی و از هم پاشیدگی خانواده‌های مصرف‌کنندگان خدمات جنسی از جمله مهم‌ترین پیامدهای آن می‌باشد. آمارها نشان می‌دهند ایران در سال‌های اخیر با رشد روز افزون این پدیده و کاهش سن روسپیگری مواجه بوده است. هدف از بررسی حاضر شناخت علل، فرایندها و شرایط زمینه سازی است که منجر به ظهور پدیده‌ی روسپیگری می‌شوند. تحقیق حاضر با استفاده از روش گرنند تئوری (نظریه‌ی زمینه‌ای) اشترواس و کرین انجام گرفته است و نمونه تحقیق حاضر شامل 12 زن روسپی است که تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر مشهد می‌باشند. همچنین این تحقیق در سال 93 انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که شرایط نامناسب خانواده‌ی پدری و زندگی زناشویی این زنان زمینه ساز مشکلات متعدد مالی، عاطفی و جنسی در آنها است. بطور کلی نتایج نشان می‌دهد مشکلات عاطفی، مالی و جنسی اولویت‌های اول را در گرایش هر دو گروه زنان مجرد و متأهل به روسپیگری دارند.

مفاهیم کلیدی: زنان آسیب دیده خیابانی، روسپیگری، آسیب‌های اجتماعی، روش کیفی، گرنند تئوری،

مشهد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. * نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای توسعه اقتصادی اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد
mirabi.saeede@gmail.com
2. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد m.fouladiyan@gmail.com

3. prostitution

مقدمه و بیان مسأله

به زعم محققان، پدیده زنان روسپی سلامت امنیتی، اخلاقی، بهداشتی و روانی اعضای جامعه را به خطر می‌اندازد. از آنجا که روسپیان با شخصیت‌های گاه منحرفی پیوند می‌خورند، احتمال آنکه درگیر جرم‌ها و رفتارهای پرخطری چون اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی، قاچاق مواد مخدر و... شوند، بسیار است. در واقع روسپیگری با انواع دیگر آسیب‌های اجتماعی و مفاسد مرتبط است و تهدیدها و خشونت‌های بسیاری برای روسپیان در پی دارد. از طرف دیگر، روسپیگری، هویت زنان در جامعه را نیز با خدشه مواجه می‌کند. چرا که در جامعه‌ای که روسپیگری رواج می‌یابد، نگاه به زن یک نگاه جنسی است. وجود زنانی که در سطح خیابان با مشتریان مرد خود وارد معامله می‌شود، برای زنانی که روسپی نیستند نیز باعث حس ناامنی می‌شود و انزوای آنان را در پی خواهد داشت. مسأله روسپیگری در تاریخ زندگی بشر قدمت زیادی دارد تا جایی که در میان ملل ابتدایی نیز از آن سخن به میان آمده است و در حال حاضر نیز در همه جوامع، مسأله آسیب و فحشا به طرق مختلف وجود داشته و بازاری را برپا کرده است که مشتریان متقاضی خدمات جنسی آن را به وجود آورده‌اند (علیایی زنده، 1381: 119-120). پدیده‌ای که رواج آن در همه‌ی جوامع چیزی از آسیب‌زا بودن آن کم نمی‌کند. هر چند در همه جوامع مختلف، مسأله آسیب و فحشا به طرق گوناگون وجود داشته و چنانچه نگاهی اجمالی به میزان روسپیگری در جهان بندازیم، نزدیک به 14 میلیون روسپی در جهان وجود دارند که کشور چین با 5 میلیون، هند با 3 میلیون، ایالات متحده با یک میلیون، فیلیپین با 800 هزار و مکزیک با 500 هزار روسپی در صدر کشورهای دارای پدیده روسپیگری هستند. همچنین ایرلند با 1000، دانمارک با 3200 و نیوزیلند با 3500 روسپی کشورهای دارای کمترین میزان روسپیان می‌باشند (وبسایت 1).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر زنان روسپی از وضع موجودشان ناخرسند هستند و زجر می‌کشند و دارای زندگی و شرایطی هستند که خود این زنان آسیب دیده تأثیر چندانی در بوجود آمدن آن نداشته‌اند و می‌توان ادعا کرد دست کم درصد بسیار زیادی از زنانی که در ورطه‌ی روسپیگری گرفتار هستند قربانی شرایط نامساعد اجتماعی هستند (فارلی و همکاران، 1381: 240-242). جامعه ما نیز سال‌های متمادی با مشکل فحشا و روسپیگری روبرو بوده است بطوریکه بعد از پیروزی انقلاب با وجود فروپاشی مراکز فحشا نیز، روسپیگری با شکل‌های متفاوت در کشور ادامه و رشد پیدا کرده است. هر چند در ایران آمار دقیقی از تعداد روسپیان و وضعیت آنها وجود ندارد، رشد آمارهای غیررسمی نشانگر شیوع این آسیب اجتماعی در سنین پایین می‌باشد که زنگ خطری جدی برای جامعه محسوب می‌شود (مدنی و همکاران، 1389: 104-105). بطور مثال طبق آمار مرکز پژوهش‌های مجلس سن روسپیگری به 15 سال

و بالاتر رسیده است و میزان کشف باندهای روسپیگری در سال 88 و 89، 30 الی 35 درصد نسبت به سال‌های قبل افزایش داشته است (خبرگزاری تابناک، 93/3/18). آمارهای کشوری نشان می‌دهد استان خراسان رضوی در سال 90 رتبه نخست را در میزان روسپیان پذیرش شده در کشور دارد (فولادیان، 1393: 9). همچنین آمارهای موجود در مورد روسپیان در شهر مشهد نشان می‌دهد که در سال 1388، 351 مورد روسپی به مرکز حمایت بازپروری دختران و زنان آسیب دیده اجتماعی سازمان بهزیستی معرفی گردیده‌اند. این رقم در سال 1390 برابر با 544 مورد و در سال 1392 برابر با 407 مورد بوده است. با دقت در میزان رشد تعداد روسپیان؛ شاهد رشد 32/5 درصدی تعداد دختران و زنان آسیب دیده در سال 90 نسبت به سال 88 شاهد هستیم. (فولادیان، 1393: 7). با توجه به آمارهای نگران کننده از شیوع روسپیگری در استان خراسان رضوی و رشد روسپیان دستگیر شده در شهر مشهد تحقیق حاضر بر آن است که به بررسی پدیده روسپیگری در مهم ترین شهر استان خراسان رضوی یعنی شهر مشهد بپردازد. بنظر می‌رسد لزوم پرداختن به این موضوع با استناد به پنهانی بودن روسپیگری و تأثیر پیامدهای منفی حاصل از آن، به ویژه در متزلزل کردن نهاد خانواده در درازمدت، توجیه پذیر باشد. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که: «مهمترین عوامل و فرایندهای مؤثر بر روسپیگری در شهر مشهد کدام است؟».

ادبیات تحقیق

وضعیت روسپیگری در ایران

بررسی تعداد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی پذیرش شده در مراکز بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در سال 1390 نشان می‌دهد که از نظر تعداد استان خراسان رضوی با 544 مورد در رتبه اول قرار دارد. استان‌های آذربایجان شرقی، خوزستان و تهران در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کمترین تعداد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی پذیرش شده در مراکز بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در سال 1390 مربوط به استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، البرز، خراسان جنوبی، سمنان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و مازندران با صفر مورد ثبت شده می‌باشد (جدول شماره 1).

جدول شماره 1: تعداد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی پذیرش شده در مراکز بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در سال 1390

رتبه	استان	تعداد
1	خراسان رضوی	544
2	آذربایجان شرقی	69
3	خوزستان	65
4	تهران	44
5	اصفهان	33
6	خراسان شمالی	28
7	کرمان	18
8	گیلان	18
9	گلستان	12
10	ایلام	11
11	یزد	11
12	فارس	8
13	قم	8
14	بوشهر	7
15	زنجان	6
16	قزوین	6
17	هرمزگان	6
18	چهارمحال و بختیاری	5
19	همدان	4
20	مرکزی	2
21	آذربایجان غربی	0
22	اردبیل	0
23	البرز	0
24	خراسان جنوبی	0
25	سمنان	0
26	سیستان و بلوچستان	0
27	کردستان	0
28	کرمانشاه	0
29	کهگیلویه و بویراحمد	0
30	لرستان	0
31	مازندران	0

(فولادیان، 1393)

جدول شماره 2 میزان رشد در تعداد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی پذیرش شده در مراکز بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در سال 1390 نسبت به سال 1388 نشان می‌دهد که در استان خراسان رضوی تعداد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی پذیرش شده در مراکز بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در سال 1390 نسبت به سال 1388،

48.2 درصد افزایش یافته است. بیشترین افزایش مربوط به استان قزوین به میزان 500 درصد، استان آذربایجان شرقی با 213.6 درصد و استان ایلام با 175 درصد می‌باشد. بیشترین کاهش هم مربوط به استان اردبیل و لرستان می‌باشد.

جدول شماره 2: درصد رشد تعداد زنان و دختران
آسیب دیده اجتماعی در سال 1390 نسبت به سال 1388

رتبه	استان	رشد
1	قزوین	500.0
2	آذربایجان شرقی	213.6
3	ایلام	175.0
4	گلستان	140.0
5	چهارمحال و بختیاری	66.7
6	گیلان	63.6
7	خراسان رضوی	48.2
8	یزد	37.5
9	خراسان شمالی	12.0
10	کرمان	5.9
11	بوشهر	-36.4
12	قم	-42.9
13	تهران	-47.6
14	خوزستان	-58.3
15	همدان	-60.0
16	اصفهان	-60.7
17	زنجان	-64.7
18	فارس	-69.2
19	هرمزگان	-72.7
20	مرکزی	-84.6
21	لرستان	-100.0
22	اردبیل	-100.0
23	سیستان و بلوچستان	-
24	کرمانشاه	-
25	آذربایجان غربی	-
26	مازندران	-
27	خراسان جنوبی	-
28	سمنان	-
29	کردستان	-
30	کهگیلویه و بویراحمد	-
31	البرز	-

(فولادیان، 1393)

جدول شماره 3 بررسی نسبت زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی پذیرش شده در مراکز بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در سال 1390 در هر 100 هزار نفر جمعیت هر استان نشان می‌دهد که با استاندارد کردن تعداد دختران فراری پذیرفته شده در مراکز مداخله بر اساس جمعیت استان، در استان خراسان رضوی در ازای هر 100 هزار نفر جمعیت 9.08 زن و دختر آسیب دیده اجتماعی در مراکز بازپروری زنان و دختران پذیرش شده اند که از این حیث استان خراسان رضوی در رتبه اول کشور قرار دارد و نسبت به میانگین کشور که 0.8 می‌باشد، بالاتر می‌باشد. استان خراسان شمالی با 3.23، ایلام با 1.97 و آذربایجان شرقی با 1.85 در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند و استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، البرز، خراسان جنوبی، سمنان، سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و مازندران با هیچ مورد ثبت شده دارای کمترین تعداد زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی پذیرش شده در مراکز بازپروری زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در سال 1390 در هر 100 هزار نفر جمعیت استان هستند.

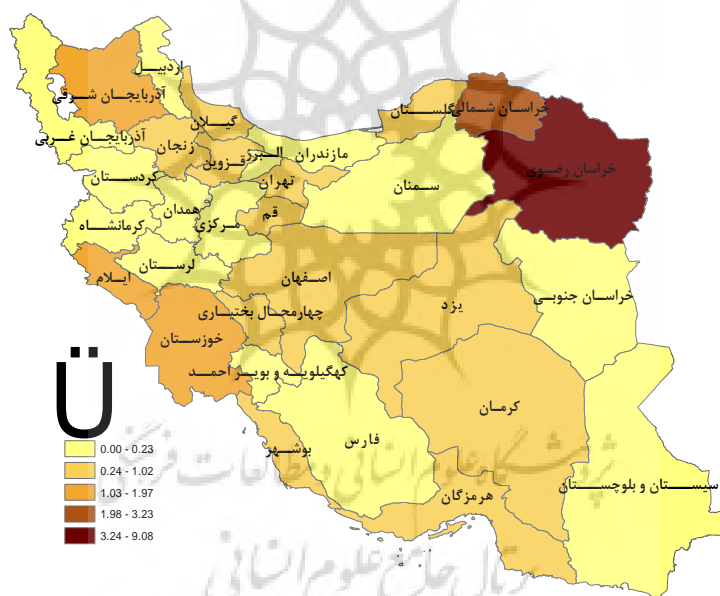
جدول شماره 3: نسبت زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در سال 1390 در هر 100 هزار نفر جمعیت استان

رتبه	استان	نسبت
1	خراسان رضوی	9.08
2	خراسان شمالی	3.23
3	ایلام	1.97
4	آذربایجان شرقی	1.85
5	خوزستان	1.43
6	یزد	1.02
7	گیلان	0.73
8	قم	0.69
9	بوشهر	0.68
10	اصفهان	0.68
11	گلستان	0.68
12	کرمان	0.61
13	زنجان	0.59
14	چهارمحال و بختیاری	0.56
15	قزوین	0.50
16	هرمزگان	0.38
17	تهران	0.36
18	همدان	0.23
19	فارس	0.17
20	مرکزی	0.14

شناسایی علل و فرایندهای مؤثر بر پدیده روسپیگری

رتبه	استان	نسبت
21	آذربایجان غربی	0.00
22	اردبیل	0.00
23	البرز	0.00
24	خراسان جنوبی	0.00
25	سمنان	0.00
26	سیستان و بلوچستان	0.00
27	کردستان	0.00
28	کرمانشاه	0.00
29	کهگیلویه و بویراحمد	0.00
30	لرستان	0.00
31	مازندران	0.00

(فولادیان، 1393)



نقشه شماره ۱: نسبت زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی در سال 1390 در هر 100 هزار نفر جمعیت استان

(فولادیان، 1393)

پیشینه تجربی تحقیق

پیشینه داخلی

ربانی خوارسگانی و قانع عز آبادی (1394) پژوهشی با عنوان «بررسی تجارب زیسته زنان روسپی (مورد مطالعه: شهرهای یزد و اصفهان)» انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد سبک زندگی بسیار متفاوت زنان روسپی، نوع متفاوت نگرش آنان به نیازهای زیستی، روابط اجتماعی و اعتقادات مذهبی، انحرافات جنسی ای که بطور روزمره تجربه میکنند و داغ ننگی که به واسطه این نوع سبک زندگی بر پیشانی‌شان نقش بسته از جمله مواردی است که از تجربه زیسته زنان روسپی جدا ناشدنی است. همچنین این تحقیق نقش خانواده را در ورود به و پیشروی در روسپیگری به اثبات رساند.

بیدهنی و همکاران (1392) در پژوهشی با عنوان «نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان و نقش آن در روسپیگری» به این نتیجه رسیده‌اند که نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان با 95 درصد اطمینان ارتباط معنی داری با روسپیگری زنان دارد. بنابراین دریافت نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان نقش مؤثری در به روسپیگری کشاندن زنان داشته است.

مدنی (1391) در پژوهشی با عنوان «بازار تن فروشی خیابانی زنان در کلان شهر تهران» به مسأله روسپیگری در تهران و مقایسه آن با سایر کلان شهرهای دنیا می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی غالب فعالیت روسپیگری خیابانی در ایران کار فردی است و به معنای اقتصادی بازار روسپیگری در این بخش کاملاً شکل نگرفته است. پایین بودن نرخ رشد درآمدها به نسبت تورم، عدم توسعه و سازماندهی و تنوع بخشی به فعالیت‌ها، قاچاق زنان خارجی برای روسپیگری به ایران و عدم امکان سرمایه گذاری در این بخش مانع از شکل گیری بازار تن فروشی مشابه دیگر کشورها شده است. سن ورود به روسپیگری در ایران بین 16 تا 22 سال می‌باشد که بالاتر از معیار جهانی است. همچنین بررسی برخی عوامل بازار از جمله توزیع مکانی و زمانی فعالیت، تعداد متقاضیان، درآمد و هزینه‌ها و دیگر موارد و مقایسه آنها با یافته‌های مطالعات جهانی نشان می‌دهند که به لحاظ جغرافیایی بازار روسپیگری در شهر تهران تقریباً متمرکز و در مسیر خیابانهای اصلی شهر است و از این لحاظ با الگوهای جهانی مشابهت دارد. روزهای پرکار هفته در ایران هم مثل بیشتر تحقیقات مشابه در سایر کشورها روزهای پایانی هفته عنوان شده است اما میزان تقاضا، درآمدها و هزینه‌ها با الگوهای جهانی تفاوت دارند.

جلیلی صالح (1389) در پژوهشی به «بررسی علل اجتماعی ارتکاب جرایم منافی عفت

توسط زنان در مناطق حاشیه شهر همدان» می پردازد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که افزایش احتمال دستگیری مجرم و افزایش شدت مجازات سبب کاهش ارتکاب جرایم منافی عفت توسط زنان می‌گردد، منطقه سکونت نیز رابطه معناداری با ارتکاب جرایم منافی عفت زنان دارد، هرچه میزان رضایت از زندگی و علاقه زنان به همسرانشان بیشتر باشد احتمال ارتکاب جرم توسط آنها کاهش می‌یابد، هرچه میزان تبعیت زنان از والدین یا همسرشان بیشتر باشد احتمال ارتکاب جرم توسط آنها کاهش می‌یابد، نظارت والدین بر دختران و مردان بر همسرشان نیز هرچه بیشتر باشد احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. اعتقادات، تحصیلات و وضعیت اقتصادی نیز رابطه معناداری با ارتکاب جرایم منافی عفت توسط زنان و دختران دارد.

حبیب‌زاده (1389) در پژوهشی با عنوان «مقایسه ویژگی‌های شخصی، کیفیت زندگی و حرمت خود زنان ویژه و عادی» به این نتیجه رسیده است که زنان روسپی در عامل باوجدان بودن، پایین تر از زنان عادی هستند؛ ولی این زنان روان آزوده گرایبی بالاتری دارند. همچنین، کیفیت زندگی (سلامت روانی و سلامت جسمانی) زنان ویژه، پایین تر از کیفیت زندگی زنان عادی است. بعلاوه، زنان ویژه در مقایسه با زنان عادی از حرمت نفس پایین تری برخوردارند. با توجه به این که روان آزوده گرایبی با صفات پرخاشگری، تکانشگری، آسیب پذیری و کنترل ضعیف امیال فردی همبسته است، چنین صفاتی فرد را به سوی انجام رفتارهای مغایر با قانون و خطا سوق میدهد. از سویی دیگر، در عامل باوجدان بودن، به نظر می‌رسد پایین بودن حس شایستگی، وظیفه شناسی، نظم و انعطاف پذیری در دسته ای از زنان، احتمالاً آنان را مستعد رفتارهای روسپیگری می‌نماید.

مدنی قهفرخی و همکارانش (1389) پژوهشی با عنوان «مقایسه‌ی برخی ویژگی‌های روسپی‌های بزرگسال و کودک در شهر تهران» انجام داده‌اند که در آن برخی ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی دو گروه از زنان و دخترانی که در سنین قبل و پس از 18 سالگی تن فروشی را شروع کرده‌اند، مقایسه می‌کند. بر اساس این پژوهش مهمترین عوامل خطر روسپی شدن کودکان عبارتند از: آزار جنسی در کودکی، فرار از منزل، اجبار به روسپیگری، حضور روسپی در بین دوستان، سابقه سوء مصرف پدر، مسوولیت تأمین مخارج دیگران (بارتکفل)، سابقه‌ی سوء مصرف مادر و سابقه‌ی بازداشت قبل از روسپیگری. این به آن معناست که مطالعه‌ی حاضر، یافته‌های پژوهش‌های پیشین در زمینه ویژگی‌های کودکان آزار دیده و احتمال روسپی شدن کودکان را افزایش می‌دهد، تایید می‌کند.

فاتحی و همکارانش (1389) در تحقیقی توصیفی- تحلیلی با نام «توصیف و تحلیل ویژگی‌های جامعه شناختی و روان شناختی دختران و زنان روسپی در استان اصفهان» به این

پرسش اساسی می‌پردازد که دختران و زنان روسپی چه ویژگی‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دارند که به سمت تن‌فروشی می‌روند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد 69% از روسپیان متأهل هستند. دامنه‌ی سنی آن‌ها 20-29 سال و میانگین سنی آنان کمی بیش از 20 سال است. نابسامانی خانوادگی، فقر اقتصادی، اعتیاد، جامعه‌پذیری ناقص و ضعیف بودن پیوندهای اجتماعی از مهمترین ویژگی‌های جامعه‌شناختی و تنوع‌طلبی، هیجان‌طلبی، نداشتن تعادل عاطفی و رفتاری و ضعف هویت اخلاقی از مهمترین ویژگی‌های دختران و زنان روسپی مورد مطالعه در این تحقیق بوده است.

سلطانی (1386) پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر انحرافات زنان» و بر روی زنان آسیب‌دیده اجتماعی در مراکز بازپروری سازمان بهزیستی کشور انجام داده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بسیاری از پاسخگویان در گروه سنی 15-24 سال قرار دارند و 75% ساکن شهرها هستند. اکثریت آنان بی‌سواد هستند یا تحصیلات تا مقطع ابتدایی دارند. 50% زنان فاقد مسکن شخصی بوده و اکثریت افراد در خانواده‌های با بعد خانوادگی بیشتر از میانگین کشور (5/4 نفر) بوده‌اند. 26% این افراد مهاجر بوده‌اند. دامنه سنی اولین رابطه جنسی آنان حداقل 8 سال و حداکثر 47 سال است که میانگین آن در سن 18 سالگی است. مهمترین علت گرایش به روسپیگری و روابط نامشروع نیز بد سرپرستی و بی‌سرپرستی، طلاق، اختلالات روانی، اختلالات خانوادگی، اعتیاد بوده است.

شرافتی پور (1385) در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران» به این نتیجه رسیده است که اولین تماس جنسی روسپیان عمدتاً در 13.5 سالگی است و به طور متوسط هر زن خیابانی در هفته 9 بار تماس جنسی برقرار می‌کند. بنابر نتایج این تحقیق 45.3% زنان خیابانی ساکن تهران به تنهایی زندگی می‌کنند.

وروایی (1384) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل روسپیگری خیابانی در تهران بزرگ» با هدف شناخت عوامل روانی - اجتماعی مؤثر بر پدیده روسپیگری خیابانی شهر تهران انجام داده است. یافته‌های تحقیق در بعد تبیین عوامل اجتماعی روسپیگری خیابانی نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر روسپیگری افراد جامعه نمونه، عبارتند از: 1- تحصیلات پایین؛ 2- نابسامانی خانوادگی؛ 3- وجود تبعیض جنسی در بین فرزندان؛ 4- پایین بودن پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده؛ 5- پرجمعیت بودن خانواده؛ 6- نوع ساخت خانوادگی؛ 7- وجود سابقه اعتیاد در بین اعضای خانواده؛ 8- کمبود عاطفی افراد؛ 9- عدم ارضای نیازهای استقلال‌طلبی و خویش‌نمایی؛ 10- افراط و تفریط در نظارت و کنترل خانواده بر روی فرزندان؛ 11- عدم رعایت قواعد اخلاقی در محیط خانواده؛ 12- عدم پایبندی مذهبی؛ 13- فرار از خانه؛ 14-

مهاجرت 15- اعتیاد؛ و 16- معاشرت‌های بد با گروه‌های همسالان. تیمچه حریری (1384) در پژوهشی با عنوان «زنان خیابانی در مشهد»، به بررسی علل و عوامل مؤثر در روی آوردن دختران و زنان به روسپیگری در شهر مشهد می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد اعتیاد والدین، اعتیاد خود فرد، طلاق و جدایی والدین، خشونت والدین به خصوص پدر، خشونت همسر و بی‌سوادی از علل و عوامل مؤثر در روسپیگری دختران و زنان است. دهقانی (1380) پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر انحراف اخلاقی در دختران جوان در شهر تهران» انجام داده است که هدف از انجام آن شناخت ابعاد اجتماعی و اقتصادی انحراف دختران شهر تهران با تاکید بر شاخص‌های خانواده و محیط اجتماعی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نابسامانی در خانواده، تحولات و آشفتگی جامعه در نتیجه انقلاب و جنگ و مهاجرت روستائیان به شهرها از عوامل افزایش انحرافات اخلاقی در جوانان هستند و متغیرهایی نظیر فقدان امکانات اجتماعی، محل سکونت، درآمد خانواده، تحصیلات و شغل والدین تاثیر چندانی در شد این انحرافات ندارند.

پیشینه خارجی

فارلی¹ و بارکان² (1998) نیز تحقیقی با عنوان «روسپیگری، خشونت و اختلال استرس پس از سانحه» انجام داده اند. در این مطالعه، 120 نفر از کسانی که بعنوان روسپی در سانفرانسیسکو کار می‌کردند با توجه به میزان خشونت و علائم استرس پس از سانحه مورد بررسی قرار گرفتند. 57 درصد از این زنان اظهار داشته اند که در دوران کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته اند و 49 درصد از آنها گزارش کرده اند که در کودکی مورد آزار و اذیت فیزیکی قرار گرفته اند. 82 درصد از این روسپیان حاضر مورد حمله فیزیکی قرار گرفته اند و 83 درصد تهدید با یک سلاح را تجربه کرده اند. 68 درصد از این روسپیان هم مورد تجاوز قرار گرفته اند و 84 درصد از آنها نیز بی‌خانمان هستند.

اسکامبلر³ (2007) تحقیقی با عنوان «داغ ننگ کارگران جنسی؛ مهاجران فرصت طلب در لندن» منتشر کرده است. این بررسی به مصاحبه با 12 نفر از زنان روسپی که به شیوه گلوله برفی یافت شده اند پرداخته است. نتایج تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد داغ ننگ در یک زمینه و شکل خاص ایجاد می‌شود و نمی‌تواند در انزوا درک شود. این داغ ننگ همواره قسمتی از

1. Farley
2. Barkan
3. scambler

ساختارهای اجتماعی مانند طبقه جنسیت و قومیت است که با درجه اهمیت‌های متفاوتی بر داغ ننگ اثرگذار هستند.

سیمون¹ و ویتبک² (1991) پژوهشی با عنوان «سوء استفاده جنسی مقدمه ای برای روسپیگری و قربانی شدن در میان زنان بزرگسال بی خانمان» انجام داده اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد آزار جنسی زود هنگام زنان احتمال درگیر شدن آنها در روسپیگری را بدون در نظر گرفتن هر نوع تأثیر فاکتورهایی مثل فرار از خانه، سوء مصرف مواد و دیگر فعالیت‌های انحرافی افزایش می‌دهد.

ماکسول و ماکسول³ (2006) پژوهشی با عنوان «بررسی اقدامات مجرمانه روسپیان در رابطه با مصرف مواد، فروش مواد و دیگر اقدامات غیرقانونی» منتشر کرده اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از زنانی که بطور منظم مواد مصرف می‌کرده‌اند (بجز موارد مصرف کوکائین) هرگز در فعالیت‌های روسپیگری شرکت نداشته‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد درگیری در جرم و جنایت با شیوع و درگیری زود هنگام در روسپیگری افزایش می‌یابد در حالیکه فروش مواد مخدر با کاهش شیوع و شروع روسپیگری در ارتباط است.

سندرز⁴ (2004) پژوهشی با عنوان «ریسک‌های فحش‌های خیابانی، تفنگداران، پلیس و معترضین» انجام داده است. این مقاله از داده‌های کیفی و مشاهدات خیابانی گسترده در بیرمنگام استفاده کرده است. مقاله نشان می‌دهد برای زنان روسپی در بریتانیا فروش سکس به معنای مدیریت خطرات است. خشونت از سوی مشتریان مرد، آزار و اذیت از سوی معترضین اجتماعی و مجازات از طریق بازجویی پلیس خطرات روزانه در خیابان‌ها هستند. با این حال زنان منفعلانه این ریسک را نمی‌پذیرند و خطرات شغلی خود را از طریق کنترل، مقاومت و جداسازی در فضای شهری مدیریت می‌کنند.

روش تحقیق

به منظور شناسایی علل و فرایندهای مؤثر بر اقدام به روسپیگری در شهر مشهد از روش گزند تئوری (نظریه داده محور) با تأکید بر رویکرد اشتراوس و کربین⁵ استفاده شده است. الگوی فرایند تحقیق در نظریه پردازی داده محور شامل مراحل زیر است: نمونه گیری نظری،

1. Simon
2. Whitbeck
3. Maxwell
4. Sanders
5. Strauss & Corbin

کدگذاری نظری و تدوین نظریه می‌باشد (فلیک¹، 1388، ص. 109). نمونه تحقیق حاضر شامل 12 زن روسپی است که در مراکز بهزیستی شهر مشهد پذیرش شده‌اند. زنان مورد مطالعه از جمله مددجویان مراکز بهزیستی مشهد بوده‌اند که از طریق سازمان‌های ذی ربطی چون کمیته‌ی سامان‌دهی زنان خیابانی به مرکز بهزیستی ارجاع داده شده بودند. روش جمع‌آوری اطلاعات بدین گونه بوده است که از مصاحبه‌های متعددی که مددکاران سازمان بهزیستی با هر یک از این افراد انجام داده‌اند استفاده شد² و برای تکمیل اطلاعات مصاحبه‌های اولیه، محقق نیز مصاحبه‌های تکمیلی را با این افراد انجام داده است. نمونه‌گیری تحقیق حاضر به شیوه در دسترس بوده و از آنجائی که دسترسی به روسپیان با محدودیت مواجه بوده و تعداد کمی از روسپیان حاضر به همکاری با محقق شده‌اند محقق تنها 12 نفر از روسپیان را مورد بررسی قرار داده است و امکان پیاده‌سازی نمونه‌گیری نظری برای محقق فراهم نشده است. نهایتاً هر چند داده‌های حاصل از این 12 مورد شباهت‌های بسیاری با یکدیگر داشته است اما ادعایی بر اشباع نظری از سوی محقق وجود ندارد. همچنین تحقیق حاضر برای تحلیل متون از روش کدگذاری اشتراوس و کربین (1392) استفاده کرده است. مراحل کدگذاری به شیوه زیر بوده است:

1- کدگذاری باز: فرایندی تحلیلی است که با آن مفهوم‌ها (مقوله‌ها) شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند (استراوس و کربین، 1392: 123). محقق در این مرحله ابتدا همه‌ی مصاحبه‌ها را مطالعه کرده و واحدهای معنایی که بیانگر یک جمله یا عبارت بوده‌اند را از متن مورد بررسی استخراج کرده است. این واحدهای معنایی شامل ویژگی‌های پدیده روسپیگری، ابعاد، علل و پیامدهای آن بوده‌اند.

2- کدگذاری محوری: فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی کدگذاری محوری نامیده می‌شود (استراوس و کربین، 1392: 146). کدگذاری محوری مورد استفاده در این تحلیل شامل چند مرحله می‌شود:

- شناسایی انواع شرایط، عمل‌ها و تعامل‌ها، و پیامدهای ملازم با یک پدیده
- مرتبط کردن یک مقوله به زیر مقوله‌های آن از طریق جملاتی که چگونگی ارتباط را باز گویند یا همان فرضیات (استراوس و کربین، 1392: 148).

3- کدگذاری گزینشی: این مرحله کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد و

1. Flick

2. مصاحبه مددکاران بهزیستی شامل بیان کلی سرگذشت خانوادگی فرد، علل زمینه‌ساز اقدام به روسپیگری، اقدامات انجام شده توسط سازمان بهزیستی برای رفع مشکلات، وضعیت کنونی فرد و مشکلات موجود بوده است.

شکل گیری و پیوند هر دسته بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود. در این مرحله نظریه به شکل مبسوطی فرمول بندی و توسط داده‌ها کنترل می‌شود (فلیک، 1388: 337). در تحقیق حاضر پس از استخراج مدل پارادایمی از همه مصاحبه‌ها محقق تلاش نموده تا دو مدل اصلی را از موارد مورد بررسی استخراج نماید که بتواند توضیح نظری از پدیده روسپیگری ارائه دهد. لازم به ذکر است که به دلیل محدودیت‌های موجود در همکاری نمونه‌های تحقیق (روسپیان) طی کردن تمام مراحل روش گردند تئوری برای محققین ممکن نبوده است و تنها به پایبندی کلی از اصول این روش اکتفا شده است.

یافته‌ها

در ابتدا به بیان ویژگی‌های زمینه ای 12 روسپی مورد بررسی پرداخته شده است. وضعیت سلامت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، دفعات ازدواج، وضعیت اشتغال، سن و تحصیلات از جمله مواردی هستند که جدول زیر به توصیف آنها پرداخته است.

جدول شماره 4: ویژگی‌های زمینه‌ای زنان روسپی مورد بررسی

موارد بررسی شده	سن	تحصیلات	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل	دفعات ازدواج	تعداد فرزندان	وضعیت سلامت
1	41 سال	ابتدایی	شاغل	مطلقه - ازدواج مجدد و متأهل	2 بار	4	دارای بیماری روانی
2	36 سال	دوم راهنمایی	بیکار - از کار افتاده	متأهل	1 بار	2	دارای بیماری جسمی از نوع: هپاتیت، مشکلات کلیوی، سرطان کبد، آسم و افسردگی
3	36 سال	راهنمایی	شاغل	مطلقه - ازدواج مجدد و اعدام همسر	2 بار	3	دارای افسردگی و اضطراب و سابقه اعتیاد
4	44 سال	ابتدایی	بیکار - از کار افتاده	همسر فوت شده	1 بار	5	دارای بیماری جسمی و مشکوک به اعتیاد
5	45 سال	ابتدایی (پنجم نهضت سواد آموزی)	بیکار	همسر فوت شده (به قتل رسیده)	1 بار	8	سطح هوشی پایین
6	40 سال	سیکل	شاغل	همسر اول فوت شده - ازدواج مجدد به شکل موقت (صیغه) - طلاق	2 بار	3	دارای افسردگی

شناسایی علل و فرایندهای مؤثر بر پدیده روسپیگری

موارد بررسی شده	سن	تحصیلات	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل	دفعات ازدواج	تعداد فرزندان	وضعیت سلامت
				از همسر موقت			
7	38 سال	ابتدایی	بیکار - از کار افتاده	متاهل	1 بار	2	دارای بیماری از نوع: کم شنوایی ضریب هوشی پایین بیماری کلیوی دارای سابقه اعتیاد
8	25 سال	دیپلم	شاغل	روابط هم خانگی - ازدواج با همخانه	1 بار	2	سالم
9	19 سال	دیپلم ناقص	شاغل	مجرد	-	-	دارای مشکلات روحی و روانی و اضطراب شدید
10	35 سال	دیپلم	بیکار	مجرد	-	-	دارای معلولیت جسمی و حرکتی
11	40 سال	سیکل	شاغل	مطلقه - ازدواج مجدد و طلاق از همسر دوم - ازدواج مجدد سوم و اعدام همسر - ازدواج‌های بعدی به شکل موقت	3 بار و بیشتر	5 فرزند	دارای بیماری روانی
12	36 سال	نامشخص	بیکار - از کار افتاده	مطلقه - ازدواج‌های بعدی به شکل موقت	3 بار و بیشتر	2 فرزند	دارای بیماری و خیم رحمی مشکلات روحی و روانی، اعتیاد

همانطور که مشاهده می‌گردد، سن زنان روسپی مورد بررسی از 19 سال تا 45 سال متغیر می‌باشد. دومین متغیر مورد بررسی تحصیلات می‌باشد که بیشترین تحصیلات مربوط به مقطع دیپلم می‌باشد. همچنین برخی از زنان مورد بررسی در هنگام تشکیل پرونده شاغل و برخی دیگر بیکار یا از کار افتاده بودند. نکته مهم این که اکثر زنان مورد بررسی به دلیل سطح تحصیلات پایین و نداشتن مهارت‌های حرفه‌ای توانایی پیدا کردن شغل مناسب را نداشته و بطور دوره‌ای به انجام کارهایی با نیاز به حداقل مهارت حرفه‌ای و تحصیلات می‌پردازند. برخی از این افراد نیز به انجام کارهایی در شرایط بسیار سخت و نامناسب دست زده‌اند که در کوتاه مدت موجب ایجاد مشکلات جسمی و از کار افتادگی آنها می‌شود. در دو مورد از موارد مورد بررسی افراد به دلیل کار در شرایط سخت دچار از کار افتادگی شده‌اند. همچنین بیماری‌های صعب‌العلاج و معلولیت یکی دیگر از عوامل زمینه ساز بیکاری زنان روسپی مورد بررسی است

که موجب از کار افتادگی زنان روسپی می‌شود.

وضعیت سلامت دیگر متغیر مهم در زنان مورد بررسی می‌باشد. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود اکثر افراد مورد بررسی به بیماری‌های جسمی و روانی مختلف مبتلا هستند. افسردگی و اضطراب شایع‌ترین بیماری روانی در بین زنان مورد مطالعه می‌باشد. در چهار مورد نیز اعتیاد گزارش شده است. دو مورد دارای نقص و معلولیت جسمی هستند. از جمله مسائل مهم در حوزه سلامت زنان روسپی میزان شیوع بیماری‌های مقاربتی است. اطلاعات موجود نشان می‌دهند که در دو مورد از موارد مورد بررسی بیماری مقاربتی دیده شده است. در مورد وضعیت تأهل نیز تنها دو مورد از دوازده روسپی مجرد و ده مورد متأهل بوده‌اند.

مدل‌های پارادایمی عوامل گرایش زنان روسپی به روسپیکری

در ادامه به توضیح دو مدل پارادایمی پرداخته خواهد شد که از علل زمینه ساز اقدام به روسپیکری زنان مورد مطالعه ترسیم شده است. این مدل برگرفته از مدل تبیینی اشترواس و کربین می‌باشد که در آن سه عنصر اصلی «شرایط زمینه ساز، عمل/تعامل و پیامد» مورد توجه می‌باشد. از نظر اشترواس و کربین برای اتفاق افتادن هر پدیده‌ی اجتماعی ابتدا شرایط زمینه سازی وجود دارند که کنشگر یا کنشگران در مقابل آنها دست به عمل یا تعامل می‌زنند. پیامد عمل و تعامل انجام شده خود تبدیل به بخشی از شرایط زمینه ساز اولیه می‌شود که دوباره کنشگران را مجبور به اتخاذ اعمال جدید می‌نماید. این فرایند تا آنجایی ادامه پیدا می‌کند که پدیده‌ی اجتماعی مورد نظر (همچون روسپیکری) اتفاق بیفتد (اشتراوس و کربین، 1392). در ادامه به توضیح دو مدل پارادایمی استخراج شده که طی آنها زنان مجرد و متأهل مورد بررسی به روسپیکری اقدام نموده اند پرداخته می‌شود.



مدل شماره ۱: عوامل گرایش زنان متأهل به روسپیگری

مدل پارادایمی اول، مدلی است که از موارد اول تا هشتم و موارد یازدهم و دوازدهم استخراج شده است. این مورد همگی متأهل بوده اند و پس از ازدواج به روسپیگری روی آورده اند. در

اولین مربع ترسیم شده در مدل با شرایط زمینه ساز اولیه روسپیگری مواجه هستیم که در سطح خانوادگی قرار دارد و مربوط به شرایط افراد در خانواده‌ی پدری می‌باشد. برخی از این شرایط خانوادگی (مربع اول) موجب شرایط دیگری (مربع دوم) برای افراد شده است که زمینه ساز اقدام به روسپیگری هستند. اعتیاد پدر (مورد اول و دوم) و فقر اقتصادی و فرهنگی خانواده (مورد اول، دوم، سوم، پنجم، یازدهم) دو عامل اساسی هستند که موجب ازدواج‌های اجباری در سنین پایین شده است. ازدواج‌هایی که ناآگاهانه و نامناسب بوده و در نهایت مشکلات زیادی را برای فرد به همراه داشته است. این ازدواج‌ها در برخی موارد با اختلاف سنی بسیار زیاد زوجین همراه بوده است (مورد دوم، سوم و یازدهم) و در برخی موارد نیز همسران زنان روسپی دارای مشکلاتی مانند اعتیاد (مورد اول و دوم، سوم) و بزهکاری (مورد دوم و سوم) بوده‌اند که این امر موجب ایجاد اختلاف در زندگی زناشویی شده است. این ازدواج‌های زودهنگام به همراه سطح پایین اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ی پدری دو عامل مهم در ترک تحصیل زودهنگام زنان روسپی می‌باشد. ترک تحصیل زودهنگام این زنان موجب می‌شود که آنها آینده‌ی شغلی مناسبی نداشته و هنگامی که در زندگی زناشویی با مشکلات مالی رو به رو می‌شوند قادر به برطرف کردن آن نبوده و بدین ترتیب زمینه گرایش آنها به روسپیگری فراهم شود. توجه به این نکته ضروری است که در شرایط کنونی جامعه‌ی ایران که با نرخ بالای بیکاری حتی در جمعیت تحصیل کرده رو به رو است شرایط اشتغال در میان جمعیت زنان تحصیل نکرده به مراتب دشوارتر می‌باشد. از جمله شرایط علی همزمانی که می‌تواند موجب تشدید شرایط زمینه ساز اولیه خانوادگی باشد مشکلات و بیماری‌های جسمی و ذهنی افراد می‌باشد. مشکلات جسمی و ذهنی افراد می‌تواند در کنار سایر عوامل ذکر شده موجب بازماندگی فرد از تحصیل و ناتوانی در کسب شغل مناسب شود (مورد پنجم و هفتم).

فقر اقتصادی و فرهنگی در خانواده و در کنار آن پر جمعیت بودن خانواده (مورد هفتم و یازدهم) می‌تواند موجب بی‌توجهی خانواده به نیازهای عاطفی فرزندان باشد. در کنار این عوامل زندگی با نامادری یا ناپدری و/یا فرزند ازدواج موقت بودن افراد (مورد یازدهم) می‌تواند موجب تشدید بی‌توجهی به نیازهای عاطفی فرد باشد. لازم به ذکر است که افراد در جامعه نگاه چندان مثبتی به فرزندان ازدواج‌های موقت ندارند و معمولاً فرزندان ازدواج‌های موقت چه در خانواده و چه در جامعه با کم توجهی و بی‌توجهی رو به رو می‌باشند و این خود می‌تواند در ایجاد خلأهای عاطفی و اختلالات شخصیتی این افراد مؤثر باشد. از جمله عوامل زمینه ساز دیگر اختلالات شخصیتی و خلأهای عاطفی در افراد که می‌تواند پیامد زندگی با نامادری یا ناپدری و فرزند ازدواج موقت بودن هم باشد آزارهای جسمی، روانی، جنسی در دوران کودکی است.

آزارهای جنسی و تجاوز در دوران کودکی از جمله عوامل بسیار مهم در ایجاد اختلالات شخصیتی، روانی و حتی جنسی دوران بزرگسالی می‌باشد. تجاوز از طریق احساس ترس، ناتوانی و نفرت شدید در کودک می‌تواند اختلالات شخصیتی و روانی را بوجود آورد که تأثیرات آن تا دوران بزرگسالی ادامه خواهد داشت¹. علاوه بر این تجاوز می‌تواند با عادی سازی نوعی از رابطه که در آن فرد ابزار جنسی دیگری است **تسهیل‌گر** پذیرش نقش‌های جنسی منفعلی در بزرگسالی شود که در آن خواست و لذت جنسی فرد اهمیت چندانی ندارد و روسپیگری نیز نوعی از این نقش‌های منفعل جنسی است که در آن فرد تنها برای کسب درآمد اقدام به برقراری رابطه‌ی جنسی با افراد متقاضی می‌کند. **لازم به ذکر است که رابطه‌ی جنسی تسهیل‌گر در این بررسی به آن دست تجربه‌های جنسی اطلاق می‌شود که ورود فرد به فعالیت روسپیگری را تسهیل می‌کنند.** از جمله نکات مهم دیگر در مورد تجاوز این است که تجاوز می‌تواند موجب پررنگ شدن مسئله‌ی رابطه و لذت جنسی برای کودک شده و در نتیجه نقش مهمی را در کنجکاو‌ها، تخیلات و رفتارهای جنسی بعدی کودک ایفا کند.

از جمله عوامل دیگر زمینه ساز مشکلات اقتصادی خانواده و کم توجهی به فرزندان، مرگ و یا فقدان وجود پدر در خانواده می‌باشد (مورد دوازدهم) و همچنین طلاق و ازدواج مجدد والدین (مورد هشتم) می‌باشد. عدم وجود سرپرست مناسب بویژه پدر در خانواده و مشکلات عاطفی و مالی ناشی از نبود وی می‌تواند در جلب دختران به روابط دوستی با جنس مخالف و کسب حمایت عاطفی و مالی از آنها مؤثر باشد. از آنجایی که این دوستی‌ها معمولاً به نیت پر کردن خلأهای عاطفی موجود در خانواده صورت می‌گرد آگاهانه نبوده و اگر به ازدواج منجر شود مشکلات زیادی را برای فرد به همراه خواهد داشت². لازم به ذکر است که مشکلات موجود در خانواده‌ها مانند اعتیاد والدین و فقر اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها می‌تواند موجب عدم حمایت مؤثر خانواده از فرد مخصوصاً در مواجهه با مشکلات زندگی زناشویی باشد (موارد

1. در مورد یازدهم تجاوز برادر مددجو به او از نظر روانی بسیار بر مددجو تأثیر گذار بوده و مددجو احساس ناتوانی در برابر تجاوز برادر، ترس از تجاوز و احساس خشم و نفرت انباشته شده ای از برادرش را بطور مکرر در دوران کودکی تجربه کرده که حتی تا دوران بزرگسالی نیز ادامه داشته است. نکته ی قابل توجه این است که طبق اظهارات مددجو خاطره ی تجاوز او بیشتر از دیگر روابط جنسی‌اش آزار دهنده است.

2. فوت پدر در مورد دوازدهم و به تبع آن نبود سرپرست مناسب در خانواده موجب مشکلات اقتصادی در خانواده گردیده و مددجو برای بهتر ساختن شرایط خودش پس از دوستی با جنس مخالف اقدام به ازدواجی زود هنگام (در سن 11 سالگی) با دوست پسر خود می‌کند. این ازدواج نیز ناآگاهانه و نامناسب بوده و همسر مددجو مشکلات متعددی داشته است و در نهایت مددجو مجبور به طلاق گرفتن می‌شود. در مورد هشتم نیز طلاق و ازدواج مجدد والدین منجر به بی توجهی به فرزند دختر شده و زمینه ورود او به روابط همخانگی و حاملگی ناخواسته از مردی که شرایط مالی مناسب برای ازدواج را نداشته فراهم کرده است. در نهایت حاملگی ناخواسته منجر به ازدواجی اجباری برای مشروع شدن فرزند می‌گردد.

اول، دوم و هفتم).

در مربع سوم با شرایط زمینه سازی در اولین زندگی زناشویی رو به رو هستیم که موجب اختلاف و درگیری میان زوجین و مشکلات عاطفی، جنسی و مالی برای زنان روسپی می‌باشد. تفاوت سنی زیاد زوجین (مورد سوم) و عدم علاقه زن به شوهر (مورد سوم و یازدهم) یکی از عوامل زمینه ساز عدم تفاهم میان زوجین، خلأهای عاطفی و مشکلات جنسی زنان می‌باشد. اگر عدم علاقه‌ی زن به شوهر (و یا شوهر به زن و یا هر دو) با بدرفتاری و پرخاشگری شوهر همراه باشد موجب تشدید خلأهای عاطفی در زن شده و در نهایت این خلأهای عاطفی و مشکلات جنسی می‌تواند زمینه ساز اقدام زنان به برقراری روابط جنسی خارج از ازدواج برای ارضای این نیازها باشد حال چه در زندگی مشترک (مورد یازده) و چه پس از طلاق (مورد سوم).

همانطور که اشاره شد یکی دیگر از عوامل بسیار مهم که زمینه ساز اقدام زنان به روسپیگری می‌باشد بد رفتاری و پرخاشگری شوهران با زنان و در برخی موارد با فرزندانشان می‌باشد. این بد رفتاری به شکل‌های؛ مسامحه و بی‌توجهی به تأمین نیازهای زن و فرزندان، آزار روانی زن مانند توهین، تحقیر و سرزنش، آزار جسمی زن از قبیل ضرب و شتم شدید و آزار جنسی زن می‌باشد. آزار از نوع مسامحه موجب دشواری‌های مالی و معیشتی برای زنان شده در حالیکه آزار جسمی و جنسی خلأهای عاطفی و مشکلات جنسی را در زنان تشدید نموده است. در میان زنان بررسی شده موارد اول، دوم، سوم، پنجم، یازدهم و دوازدهم آزار شدید جسمی، جنسی و مسامحه (غفلت و بی‌توجهی به تأمین نیازهای زن) را گزارش کردند¹. لازم به ذکر است که آزارهای جنسی وارده به زنان و تحمیل رابطه‌ی جنسی به آنها از سوی شوهرانشان همانند تجاوز می‌تواند نقش تسهیل گر روسپیگری را از طریق پذیرش و درونی سازی نقش «بزار جنسی لذت دیگری بودن» ایفا کند (مانند مورد یازدهم). علاوه بر این آزارهای روانی‌ای مانند تهمت خیانت به زنان از سوی همسرانشان اگر بطور مداوم و در درازمدت اتفاق بیفتد می‌تواند موجب تغییر خودپنداره‌ی زن شده و طبق تئوری برچسب تبیین کننده‌ی این تغییر باشد (مانند مورد یازدهم). لازم به ذکر است که برچسب‌هایی که اجتماع محلی به برخی از زنان که به دلایلی همچون خلأهای عاطفی دارای رفتارهای ناپهنجاری مانند خیانت به همسر هستند میزند (مانند فاحشه خواندن زن خیانت کار به همسر) نیز نقش مهمی در تغییر خود پنداره‌ی فرد و پذیرش نقش زن روسپی در آینده ایفا می‌کند (مانند مورد یازدهم).

1. بطور مثال مورد یازده عنوان کرده است که مورد ضرب و شتم های متعدد همسرش قرار داشته تا جایی که این ضرب و شتم‌ها قبل از رابطه ی جنسی هم وجود داشته است.

اعتیاد همسران زنان روسپی (موارد اول، دوم، سوم، هفتم و دوازدهم) عامل دیگری است که زمینه ساز مشکلاتی مانند مشکلات مالی، عاطفی (تحریک‌پذیری فرد معتاد و بد رفتاری او با مددجو و فرزندان) و جنسی (تأثیر مواد مخدر در توانایی و رابطه‌ی جنسی شخص معتاد و رضایت از رابطه‌ی جنسی) برای این زنان می‌باشند. علاوه بر اعتیاد شوهران اعتیاد زنان (موارد سوم که در حین زندگی مشترک اعتیاد پیدا کرده است، و موارد چهارم، هفتم و دوازدهم) نیز نقش بسیار مهمی در روسپیگری ایفا می‌کند. بیکاری همسر در کنار اعتیاد او نیز در برخی موارد (موارد اول و دوم) زمینه ساز مشکلات مالی و به تبع آن اختلافات و درگیری‌های زناشویی می‌باشد. علاوه بر این بیماری و از کارافتادگی همسر نیز (مورد هفتم) می‌تواند موجب تحمیل وظایف و مشکلات مالی به زن شده و زمینه ساز اقدام او به روسپیگری باشد.

اقدام به اعمال غیرقانونی چون حمل مواد مخدر، دزدی و سایر اعمال غیر قانونی توسط شوهران به همراه حبس آنها به دلیل ارتکاب این جرائم (موارد دوم، سوم و دوازدهم) از جمله عوامل زمینه ساز دیگری است که مشکلات متعدد مالی و روانی را برای زنان به همراه دارد. این عامل به خصوص وقتی شوهران زمان طولانی را در حبس سپری می‌کنند مشهود می‌باشد¹. از طرفی در هنگام حبس همسر سرپرستی فرزندان نیز به عهده‌ی مادر بوده که این امر مشکلات مالی ناشی از نبود همسر را در زنان دو چندان می‌کند و زمینه ساز اقدام آنها به روسپیگری می‌باشد.

فساد اخلاقی شوهر از جمله دیگر عوامل بسیار مهم دیگری است که در ایجاد خلأهای عاطفی در زنان (مورد سوم) مؤثر بوده و از جمله عوامل زمینه ساز اقدام به روابط جنسی خارج از ازدواج (در صورت نبود مشکلات مالی) و روسپیگری (در صورت وجود مشکلات مالی) در میان زنان می‌باشد.

ازدواج مجدد همسر (موارد دوم و سوم) نیز نقش مهمی در اختلافات و درگیری‌های زناشویی و حتی طلاق داشته است. ازدواج مجدد همسر موجب مشکلات عاطفی و مالی متعدد و همچنین دشواری‌هایی در تأمین نیازهای جنسی زنان شده است. لازم به ذکر است که ازدواج مجدد همسر مانند فساد همسر از مهم‌ترین عوامل بستر ساز اقدام به رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج و روسپیگری در میان زنان می‌باشد. بطور مثال نتایج مصاحبه با مورد یازده نشان داد که آگاهی از خیانت همسر در این فرد موجب شده تا او که مدتی به دلیل ازدواج، ارتباطات جنسی خارج از ازدواج و روسپیگری را کنار گذاشته بود دوباره برای ارضای حس انتقام جویی و

1. بطور مثال در مورد دوم همسر 12 سال در حبس بوده و مددجو را با مشکلات متعدد مالی، روانی و جنسی رو به رو ساخته است.

همچنین کاهش احساس تحقیر خود ابتدا اقدام به برقراری رابطه‌ی جنسی خارج از ادواج کرده و پس از آن به انجام دوباره‌ی فعالیت روسپیگری پرداخته است. دخالت خانواده‌ی همسر و آزار و اذیت از جانب آنها (مورد دوازدهم) نیز در تشدید اختلافات و درگیری‌های خانوادگی نقش مهمی ایفا کرده است. در برخی موارد این عامل در کنار سایر عوامل زمینه ساز اقدام به طلاق بوده است.

در برخی موارد (موارد دوم و پنجم) با عدم تفاهم و ناسازگاری زنان و شوهرانشان رو به رو هستیم. هر چند عدم تفاهم و ناسازگاری زوجین در موارد بررسی شده بیشتر ناشی از مشکلات موجود در زندگی زناشویی مانند اعتیاد، فساد اخلاقی و غیره می‌باشد اما به نظر می‌رسد منظور از نقش عدم تفاهم و ناسازگاری زوجین در ایجاد اختلافات زناشویی تفاوت‌ها و ناسازگاری‌های شخصیتی و فرهنگی زوجین می‌باشد. عدم تفاهم میان زوجین در تخریب رابطه‌ی عاطفی و جنسی میان زوجین نقش مؤثری ایفا کرده است. مرگ شوهر (به دو شکل مرگ طبیعی و قتل) نیز موجب خلأهای شدید عاطفی در زن (مورد ششم)، از دست دادن شریک جنسی و مشکلات زن در ارضای نیازهای جنسی (موارد چهارم، پنجم و ششم)، به عهده داشتن حضانت فرزندان، تأمین نیازهای مالی خانواده و در نتیجه مشکلات مالی متعدد برای زن شده است (موارد چهارم، پنجم و ششم). این در حالی است که عدم وجود حامی مؤثر پس از مرگ همسر عامل همزمانی است که مشکلات مالی و خلأهای عاطفی زن را تشدید کرده است. مشکلات مذکور زمینه ساز اقدام به روسپیگری در میان زنان بیوه می‌باشد.

همانطور که اشاره شد بیماری و از کار افتادگی همسر و به عهده داشتن حضانت فرزندان توسط زن می‌تواند مشکلات مالی متعددی را برای زن به همراه داشته باشد ضمن اینکه بیماری شوهر و کم توجهی از جانب او بواسطه‌ی بیماری نیز می‌تواند موجب خلأهای عاطفی شدیدی در زن شود (مورد هفتم). گاهی این خلأهای عاطفی در گذشته هم بواسطه‌ی فقر اقتصادی و فرهنگی خانواده، تعداد زیاد فرزندان و عدم توجه و رسیدگی خانواده به فرد وجود داشته و در نتیجه‌ی بیماری همسر تشدید شده و به همراه مشکلات مالی زمینه ساز اقدام به روسپیگری در افراد می‌باشد (مورد هفتم). مهم‌ترین پیامد همه‌ی شرایط مذکور در زندگی زناشویی افراد مشکلات مالی، خلأهای عاطفی و مشکلات جنسی می‌باشد. از طرفی برخی افراد نیز به دلیل شرایط موجود سرپرستی فرزندان را به عهده گرفته‌اند که این امر مشکلات مالی آنها را تشدید کرده و آنها را تحت فشارهای روحی قرار داده است بطوریکه در دو مورد افسردگی و اضطراب شدید در افراد به دلیل مشکلات ناشی از تأمین هزینه‌های زندگی و فرزندان مشاهده شده است.

افراد در مقابل مشکلات مالی، خلأهای عاطفی و مشکلات جنسی دست به سه تعامل زده‌اند و در واقع تعامل‌های متفاوت افراد در مقابل شرایط موجود موجب ایجاد سه فرایند مذکور شده است.

در اولین فرایند افراد (موارد دوم، چهارم، پنجم و هفتم) در مقابل شرایط زندگی زناشویی خود اقدام به روسپیگری کرده‌اند. این اقدام به روسپیگری زمانی اتفاق افتاده است که یا شوهران افراد حضور نداشته‌اند (مانند حبس، قتل و مرگ قتل همسر در موارد دوم، چهارم و پنجم) و یا در شرایطی که شوهران به دلیل بیماری، اعتیاد و از کارافتادگی حضور مؤثری در زندگی زناشویی نداشته‌اند (مورد هفتم). عدم حضور همسران زنان روسپی موجب به عهده گرفتن حضانت فرزندان و تأمین معاش خانواده، خلأهای عاطفی ناشی از نبود همسر و مشکلات زن در تأمین نیازهای جنسی‌اش می‌باشد. در برخی موارد خلأهای عاطفی در زندگی خانواده‌ی پدری فرد نیز وجود داشته و شرایط زندگی زناشویی موجب تشدید آن شده است.

در دومین فرایند نمودار شماره 1 زنان در مقابل شرایط نامناسب زندگی زناشویی مانند مرگ همسر و مشکلات عاطفی ناشی از آن اقدام به برقراری دوستی با جنس مخالف و ازدواج مجدد نموده‌اند (مورد ششم). لازم به ذکر است که بخشی از اقدام زنان بیوه و مطلقه به ازدواج مجدد ناشی از فشارهای اجتماعی است که بر روی زنان مطلقه و بیوه وجود دارد و آنها را به سمت ازدواج مجدد سوق می‌دهد. مواردی که اقدام به ازدواج مجدد کرده‌اند در زندگی زناشویی جدید خود با مشکلاتی همچون اعتیاد و بیکاری همسر، اقدام به اعمال خلاف قانون توسط همسر و حبس همسر و عدم تفاهم و ناسازگاری با همسر رو به رو هستند که موجب ایجاد اختلاف و درگیری میان زوجین می‌باشد. علاوه بر این در نتیجه‌ی این شرایط سرپرستی فرزندان ازدواج دوم نیز به عهده‌ی زنان بوده و مشکلات مالی مضاعفی را بر آنها تحمیل می‌کند. خلأهای عاطفی و مشکلات جنسی از جمله دیگر پیامدهای شرایط موجود در زندگی زناشویی این زنان می‌باشد که زمینه ساز اقدام آنان به روسپیگری می‌باشد.

در سومین فرایند زنان در مقابل شرایط نامناسب زندگی زناشویی خود اقدام به طلاق کرده‌اند. گاهی اوقات این اقدام به طلاق با فرایندهای واسطی مانند دوستی با جنس مخالف در حین رابطه‌ی زناشویی همراه است. در واقع خلأهای عاطفی در دوران کودکی و زندگی زناشویی فرد تأثیر بسیار مهمی در اقدام به برقراری رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف و خیانت به همسر

دارد¹ (مورد یازده).

افرادی که اقدام به طلاق نموده‌اند با مشکلاتی همچون به عهده گرفتن حضانت فرزندان (مورد سوم)، مشکلات مالی (مورد سوم، یازدهم و دوازدهم)، خلأهای عاطفی و جنسی (مورد سوم، یازدهم و دوازدهم)، ارزش‌های اجتماعی مبنی بر مذموم بودن طلاق (مورد اول و یازدهم) و عدم پذیرش از سوی خانواده‌ها (مورد اول، یازدهم و دوازدهم) رو به رو بوده‌اند.

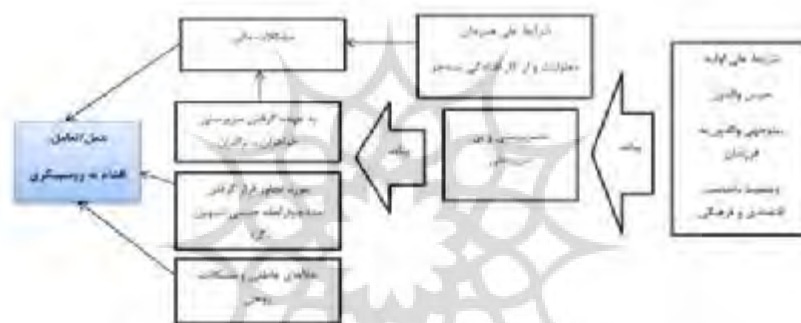
عمل و تعامل افراد در مقابل این شرایط از دواج مجدد (مورد اول)، اقدام به روسپیگری (مورد سوم)، فرار از منزل پدری به دلایل مختلفی همچون عدم پذیرش از سوی خانواده‌ی پدری (مورد یازدهم و دوازدهم) و مخالفت خانواده‌ها با ازدواج با دوست پسر (مورد یازدهم) بوده است.

نتایج مصاحبه‌ها (با موارد یازده و دوازده) نشان داده است که فرار از منزل زنان را با مشکلاتی همچون بی‌مکانی و بی‌پولی روبه‌رو می‌کند و موجب می‌شود که آنها پس از فرار از منزل برای اینکه شب را در خیابان سپری نکنند با مردان متمایل به رابطه ارتباط برقرار کرده و شب را با آنها بگذارند. این افراد در بسیاری از اوقات برای تأمین نیازهای اولیه خود مانند خوراک و پوشاک اقدام به برقراری رابطه‌ی جنسی با فروشندگان این کالاها می‌کنند و پس از مدتی نیز این افراد تبدیل به روسپیانی می‌شوند که برای ارائه‌ی خدمات جنسی خود از مردان متقاضی پول دریافت می‌کنند.

افرادی که پس از طلاق اقدام به ازدواج مجدد نمودند (موارد اول و سوم) در زندگی زناشویی جدید خود نیز با مشکلات متعددی روبه‌رو بوده‌اند. اعتیاد همسر (مورد اول)، بی‌کاری همسر (مورد اول)، عدم مسئولیت‌پذیری همسر و به عهده گرفتن سرپرستی فرزندان توسط زنان (مورد اول) از جمله شرایطی است که این زنان با آن رو به رو هستند. این شرایط مشکلات مالی و فشارهای روحی را برای زنان بوجود آورده و در نهایت موجب شده است که آنها برای تأمین نیازهای مالی خود اقدام به روسپیگری کنند. لازم به ذکر است که برخی از این زنان با تشویق به روسپیگری توسط همسرشان رو به رو شده‌اند (مورد یازده). بطور مثال همسر مورد یازده شخصاً اقدام به پیدا کردن مشتری برای او می‌کرده و به گفته‌ی مددجو به تماشای رابطه‌ی جنسی مددجو و مشتری‌هایش مشغول می‌شده است. به نظر می‌رسد همسر مددجو دارای انحراف جنسی چشم‌چرانی یا شهوت بصری بوده است. دو مکانیسم از سه مکانیسم

1. بطور مثال مددجوی یازده از نیاز شدید عاطفی خود به برقراری رابطه‌ی عاطفی و جنسی با مردی غیر از همسرش سخن گفته است: «چطوری بگم بعد از طلاقم دلم می‌خواست همش بشینم برای یکی عشوہ کنم، یکی بهم بها بده، یکی و ناز کنم...»

اصلی که اساس شهوت بصری را تشکیل می‌دهند می‌تواند در همسران زنان روسپی وجود داشته باشد و این دو مکانیسم عبارت است از اینکه اولاً شهوت بصری، به طور ضمنی اعترافی است به ناتوانی که با دادن نقش جنسی به نگاه، فرد مبتلا را به جای آنکه عمل‌کننده باشد به تماشاگر تبدیل می‌کند. دومین و پیچیده‌ترین مکانیسم شهوت بصری عبارت است از اینکه بعضی از شهوت رانان بصری، خود را بطور ناخود آگاه به جای یکی از دو طرف اعمال جنسی قرار می‌دهند، هویتشان را با او یکی می‌کنند و در عالم خیال همان لذتی را که او می‌برد احساس می‌نمایند (دائینو، 1384: 67).



مدل شماره 2: گرایش زنان مجرد به روسپیگری

مدل پارادایمی دوم، با توجه به شرایط علی زمینه ساز اقدام به روسپیگری در موارد نهم و دهم که سابقه ازدواج نداشته اند ترسیم شده است. همانطور که در این مدل دیده می‌شود شرایط علی در زندگی زناشویی وجود ندارد. در این مدل شرایط علی اولیه خانوادگی وجود دارند که زمینه ساز اقدام به روسپیگری در فرد هستند. اعتیاد و حبس والدین (مورد نهم)، بی‌توجهی والدین به فرزندان (مورد نهم و دهم) و وضعیت نامناسب اقتصادی و فرهنگی خانواده (نهم و دهم) موجب بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی (مورد نهم و دهم) در افراد شده است. در واقع دو فرایند ناشی از بی‌سرپرستی و بدسرپرستی می‌تواند زمینه ساز اقدام به روسپیگری در میان دختران خانواده‌های مذکور شود.

در اولین فرایند اعتیاد والدین، اقدام به اعمال غیر قانونی توسط والدین و یا حبس آنها فرزندان را با بدسرپرستی یا بی‌سرپرستی مواجه می‌کند. در برخی موارد (مورد نهم) پیامد نبود والدین و یا عدم حضور مؤثر آنها برای فرزندان بزرگ‌تر به عهده گرفتن سرپرستی خواهران و برادران کوچکتر و مشکلات مالی ناشی از آن بوده است. در مواردی بی‌توجهی والدین دارای

اعتیاد پیامدهای دیگری همچون تجاوز و تعرض به فرزندان دختر را به همراه داشته است. این تجاوزها در سنین کودکی و اوایل نوجوانی اتفاق افتاده و فرزندان را با مشکلات روحی زیادی از جمله افسردگی و اضطراب شدید مواجه کرده است. همانطور که در مورد نقش تسهیل‌گر تجاوز برای ایفای نقش روسپیگری توضیحاتی بیان شد این مکانیسم تسهیل‌گر بویژه وقتی فرد با مشکلات مالی عدیده‌ای روبه‌رو باشد زمینه‌ساز اقدام فرد به روسپیگری برای تأمین نیازهای مالی می‌باشد. در دومین فرایند شرایط نامناسب اقتصادی و فرهنگی خانواده و بی‌توجهی والدین به فرزندان مشاهده شده است. این بی‌توجهی گاهی آنچنان شدید می‌باشد که موجب بدسرپرستی شده است. شرط علی‌هم‌زمانی که موجب تشدید شرایط نامناسب اقتصادی در خانواده‌ی پدری شده است معلولیت و از کار افتادگی فرد می‌باشد. معلولیت و از کار افتادگی فرد موجب شده است که فرد توانایی داشتن شغل مناسب را برای رفع نیازهای مالی خود نداشته باشد و این امر زمینه‌ساز اقدام به روسپیگری توسط وی شده است.

همانطور که در دو مدل ترسیم شده مشاهده می‌شود مشکلات روحی و خلأهای عاطفی، مشکلات جنسی و مشکلات مالی مهم‌ترین نقش را در اقدام به روسپیگری زنان مورد مطالعه ایفا می‌کنند. نتایج بررسی حاضر مشخص ساخته است که نمی‌توان به طور قطع نقش یکی از این عوامل را مهم‌تر از دیگری دانست. علاوه بر این عوامل مذکور در رابطه‌ی متقابل با یکدیگر هستند. بطور مثال بیکاری و وضعیت نامناسب اقتصادی موجب می‌شود تا زنانی که به دلیل شرایط خانوادگی نامناسب دچار آسیب‌های روحی و عاطفی شدند به سمت روسپیگری تمایل پیدا کنند. اکثر زنان روسپی در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که با انواع مشکلات خانوادگی مالی دست به‌گریبان هستند و این مشکلات صدمات روحی جبران‌ناپذیری را به این زنان وارد می‌سازد. این خانواده‌ها از نظر فرهنگی نیز در سطح بسیار پایینی بوده و پیامدهای این امر ازدواج زودهنگام و اجباری دختران، ازدواج با همسران معتاد و بیکار، بی‌توجهی و بی‌مهری به دختران در محیط خانواده و آزار جسمی آنان توسط اعضای خانواده، تجاوز به دختران از سوی اعضای خانواده و دیگران، عدم آموزش مهارت‌های حل مسئله به دختران و در نهایت کاهش اعتماد به نفس دختران به دلیل تربیت نامناسب والدین می‌باشد.

زنان روسپی مورد مطالعه با کم‌سوادی و به تبع آن مشکلات برای یافتن شغل مناسب در سنین جوانی مواجه بوده‌اند. علاوه بر این در بسیاری از مواقع همسران این زنان با مشکل بیکاری و اعتیاد روبه‌رو بوده‌اند و بنابراین مشکلات مالی یکی از بسترهای مهم روی آوردن بسیاری از این زنان به روسپیگری است. از طرفی مسائل جنسی نیز یکی از سه عامل مهم در گرایش زنان مطالعه شده به روسپیگری است. در مورد این عامل توجه به شرایط زندگی

زناشویی این زنان و عدم ارضای جنسی و عاطفی آنها در رابطه‌ی جنسی با همسر و سابقه‌ی تجاوز در دروان کودکی نقش مهم این رابطه‌های جنسی تسهیل گر را در اقدام این زنان به روسپیگری مشخص می‌سازد. مصاحبه با مورد یازده نشان می‌دهد وقتی عدم ارضای جنسی به همراه بی‌توجهی و بی‌مهری در روابط خانوادگی و زناشویی برای فرد اتفاق می‌افتد ابتدا فرد به سمت برقراری روابط عاطفی و جنسی خارج از ازدواج سوق داده شده و سپس در صورت فراهم بودن سایر شرایط مانند نداشتن مکانی برای سکونت و مشکلات مالی ناشی از نبود و یا طلاق همسر شکل روابط جنسی از روابط جنسی خارج از ازدواج تغییر کرده و به رابطه‌ی مبتنی بر تن فروشی تبدیل شده است. یعنی اینکه معمولاً زنان در طی یک فرآیند روسپی می‌شوند. آن طور که در برخی موارد مطالعه شده در این بررسی قابل مشاهده است یک زن به یکباره روسپی نمی‌شود بلکه تجربیات جنسی قبلی در رفتار جنسی بعدی او تأثیر گذار است. روابط جنسی با همسر، روابط جنسی با شریک جنسی یا همان دوست پسر سابقه‌ی تجاوز می‌تواند از جمله عوامل مهم تأثیر گذار بر رفتار جنسی زنان روسپی، روسپی شدن آنها و باقی ماندن آنها در بازار روسپیگری باشد.

از طرفی دیگر نتایج مصاحبه با روسپیان مورد بررسی نشان داده است که فرایند روسپیگری از برقراری رابطه‌ی جنسی گذرای خارج از ازدواج آغاز شده (که در آن رابطه بیشتر برقراری رابطه‌ی جنسی و کسب لذت از آن اهمیت دارد و نه پیوند عمیق عاطفی میان طرفین و این روابط بسیار کوتاه مدت هم هستند مانند مورد یازدهم) و پس از مدتی که فرد به دلیل مشکلات مالی و /یا بی‌جایی اقدام به برقراری رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف می‌کند یک نوع دوستی سطحی و گذرا (حتی برای یک شب) و به منظور تأمین مکان خواب و /یا نیازهای مالی شکل می‌گیرد (مورد دوازدهم) و کم کم یک زن روسپی وارد عرصه‌ی روسپیگری می‌شود و خودش را به عنوان یک کالای جنسی عرضه می‌کند. در همین مرحله است که فرد می‌آموزد یک زن روسپی چگونه می‌تواند در بازار عرضه‌ی کالای جنسی به جلب متقاضی این کالا بپردازد، چه وظایف شغلی را بر عهده دارد و چه نقشی را باید در روابط جنسی ایفا کند تا دو طرف رابطه به بیشترین سود دست پیدا کنند.

لازم به ذکر است که روسپیگری همیشه به یک شکل اتفاق نمی‌افتد. نتایج مصاحبه با زنان روسپی نشان داده است که این زنان ممکن است گاهی به دوستی با یک مرد پرداخته و آن مرد تمام هزینه‌های زن روسپی را تأمین کند. علاوه بر این گاهی این زنان صیغه‌ی مردی شده و او هم تا پایان صیغه به تأمین هزینه‌های آنها می‌پردازد. بنابراین زنان روسپی ممکن است شکل‌های مختلف روسپیگری را با توجه به شرایط برگزینند و گاهی چند شکل را برای ادامه‌ی

فعالیت خود انتخاب کنند.¹ در نتیجه می‌توان گفت هنگامی که مشکلات عاطفی و جنسی با مشکلات مالی به یکدیگر آمیخته می‌شوند احتمال اقدام به روسپیگری در میان زنان دارای این شرایط بیشتر می‌شود. لازم به ذکر است که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی موجود یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند منجر به شیوع پدیده‌ی روسپیگری گردد. نگاه جنسی و ابزاری به زن یکی از اساسی‌ترین ارزش‌هایی است که زمینه‌ساز شیوع پدیده‌ی روسپیگری می‌باشد. یکی دیگر از ارزش‌های اجتماعی که زنان روسپی مورد مصاحبه را با دشواری‌های مواجه کرده است نگاه منفی به زنان مطلقه و بیوه و مجاز دانستن هر گونه رابطه‌ای با آنها از سوی برخی مردان می‌باشد. خلاصه علل روسپیگری در جدول زیر نمایش داده شده است؛



1. نکته‌ای که در باب دوستی با جنس مخالف و صیغه مطرح است این است که این روابط تا زمانی روسپیگری محسوب می‌شود که این زنان تنها برای تأمین هزینه‌های مالی خود اقدام به برقراری رابطه‌ی جنسی با دوست و همسر موقت خود کنند. گاهی پیش می‌آید که زنان روسپی در رابطه با یک مرد از لحاظ عاطفی به او وابسته شده و با برقراری رابطه‌ی عاطفی شکل رابطه از روسپیگری خارج می‌شود. اظهار نظر کارشناسان بهزیستی نشان می‌دهد در برخی موارد وابستگی زنان روسپی به مردان مشتری دارای پیامدهایی از جمله به هم ریختن بنیان خانوادگی مشتری در صورتیکه متأهل باشد، اقدام زنان روسپی به اعتیاد و تشدید آن، تشدید روسپیگری و حتی اقدام به خودکشی روسپیان به دلیل وابستگی عاطفی شدید می‌باشد. بنابراین یکی از ملزومات شغل روسپیگری عدم وابستگی عاطفی زن روسپی به مردان مشتری می‌باشد و چه بسا عوض کردن دائم طرف رابطه از سوی زنان روسپی یکی از همین الزامات است. در نتیجه نمی‌توان تنوع طلبی زنان روسپی را تنها ناشی از تنوع طلبی جنسی آنان دانست. البته ممکن است هر کدام از این زنان در رابطه با شرکای جنسی خود (همان رابطه‌ی جنسی عادی) تنوع طلب باشند و یا نباشند ولی الزاماً زن روسپی همان تنوع طلب جنسی نیست و بالعکس.

جدول شماره 5: مهم ترین علل روسپیگری زنان (مورد بررسی) در شهر مشهد

انواع	علت
علل روسپیگری زنان مجرد	حبس والدین
	بی توجهی والدین به فرزندان
	فقر
	معلولیت دختر
	به عهده داشتن سرپرستی خواهر و برادر
	مورد تجاوز قرار گرفتن
	خلأ عاطفی و مشکلات روانی
علل روسپیگری زنان متأهل	تفاوت سنی زیاد زوجین
	عدم علاقه زن به شوهر
	آزار زن توسط شوهر
	اعتیاد شوهر
	اعتیاد زن
	بیکاری شوهر
	ارتکاب جرم توسط شوهر و حبس شوهر
	فساد اخلاقی شوهر
	ازدواج مجدد شوهر
	ناسازگاری زوجین
	فوت همسر
	بیماری و از کار افتادگی همسر
	به عهده داشتن سرپرستی فرزندان
	فقر
	خلأ عاطفی و جنسی
	ارزش های اجتماعی منفی در مورد زن مطلقه
	عدم پذیرش از سوی خانواده پدری پس از طلاق
تشویق به روسپیگری توسط همسر	
عدم حمایت خانواده ها از زوجین	

نتیجه گیری

در این پژوهش علل و عوامل گرایش به روسپیگری در میان زنان روسپی (با تأکید بر روسپیان شهر مشهد) مورد بررسی گرفته است. تحقیق حاضر با استفاده از روش گردند تئوری (نظریه ی زمینه ای) اشترواس و کربین انجام گرفته است و نمونه تحقیق حاضر شامل 12 زن روسپی است که تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر مشهد می‌باشند. همچنین این تحقیق در سال 93 انجام شده است. نتایج تحقیق بصورت دو مدل پارادایمی از زنان متأهلی که بعد از تأهل وارد روابط روسپیگری می‌شوند و زنان مجردی که وارد عرصه روسپی گری می‌شوند ارائه شده است. در مورد زنان مجرد بدسرپرستی و بی سرپرستی از مهم‌ترین علل زمینه ساز روسپیگری محسوب می‌شود و در زنان متأهل ازدواج‌های زودهنگام، اجباری و نامناسب (یا مردانی که از پایگاه‌های اجتماعی اقتصادی پایینی برخوردار بوده‌اند و یا درگیر انواع بزه و اعتیاد بوده‌اند) زمینه را برای روسپیگری فراهم ساخته است. همچنین نتایج تحقیق حاضر تأیید کننده تحقیق جلیلی (1389) است که در آن عدم علاقه به شوهر، تحصیلات پایین و وضعیت اقتصادی نامطلوب از جمله علل روسپیگری دانسته شده است. و روایی (1384) نیز مانند تحقیق حاضر تحصیلات پایین، نابسامانی خانوادگی، پایین بودن پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده، پرجمعیت بودن خانواده پدری، سابقه اعتیاد در اعضای خانواده و کمبود عاطفی را از دلایل اقدام به روسپیگری زنان دانسته است. تیمچه حریری (1384) اعتیاد والدین، طلاق و جدایی والدین و بی سوادی را از دلایل روسپیگری می‌داند که در مدل پارادایمی تحقیق حاضر این عوامل دیده شده است. همچنین سلطانی (1386) بر بدسرپرستی و بی سرپرستی، اختلالات روانی و اعتیاد، دهقانی (1380) بر نابسامانی خانواده، مدنی (1389) بر آزار جنسی در دوران کودکی، فرار از منزل، اجبار به روسپیگری، اعتیاد پدر و مسئولیت تأمین مخارج دیگران، فارلی و بارکان (1998) و سیمون و ویتبک (1991) بر آزار جنسی در دوران کودکی و ماکسول و ماکسول (2006) بر تأثیر مصرف برخی مواد بر ورود به روسپیگری تأکید کرده اند که همگی مؤید نتایج تحقیق حاضر می‌باشد.

در انتها تحقیق حاضر به خوبی بر نتایج تحقیق اسکامبلر (2007) صحه می‌گذارد که داغ ننگ بر زنانی که از طبقه و قومیت و شرایط اجتماعی خاص هستند خود در روسپی شدن آنها مؤثر است. این داغ ننگ در میان مصاحبه شوندگان تحقیق حاضر بویژه بر زنانی خورده شده است که در حین تأهل به رابطه دوستی با جنس مخالف پرداخته اند و بنا بر اظهارات آنها در نزد اطرافیان زن فاحشه خوانده می‌شدند. لازم به ذکر است مهم ترین تفاوت تحقیق حاضر با سایر تحقیقات انجام شده شناسایی عوامل روسپیگری در دو گروه زنان متأهل و مجرد می‌باشد.

امری که به نظر می‌رسد کمتر تحقیقی به آن اشاره نموده است. با توجه به نتایج تحقیق حاضر می‌توان راهکارهایی برای برون رفت زنان روسپی از وضعیت فعلی و جلوگیری از روسپی شدن زنان در معرض آسیب دیگر ارائه داد. توانمند سازی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و روحی زنان روسپی و زنان در معرض آسیب، شناسایی خانواده‌های بی سرپرست و بد سرپرست و بیرون آوردن کودکان و بویژه دختران از این شرایط خانوادگی و فراهم آوردن شرایط زندگی عادی در موسساتی که به این منظور تأسیس می‌شوند و حتی واگذاری تکفل این کودکان به خانواده‌های واجد شرایط، حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار و فراهم آوردن شرایط کاری در کارگاه‌های سالم، پیشگیری و جلوگیری از اعتیاد بویژه والدین، ایجاد موسساتی که زنان بی خانمان و بی پناه را سامان دهی کنند و تلاش برای بازپروی علمی زنان روسپی در مراکز بهزیستی از جمله راه کارهایی است که می‌توان برای حل این مسأله اجتماعی رو به گسترش ارائه داد.

منابع

- استرواس، انسلم، کربین، جولیت، (1391)، مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- تیمچه‌حریری، زهرا، (1384)، زنان خیابانی در مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی
- جلیلی‌صالح، زهرا، (1389)، بررسی علل اجتماعی ارتکاب جرایم منافی عفت توسط زنان در مناطق حاشیه شهر همدان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران
- حبیب‌زاده، شهریار، (1389)، مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، کیفیت زندگی و حرمت خود زنان ویژه و عادی، دانشگاه تربیت مدرس
- دانیو، آندره مورالی (1384)، جامعه‌شناسی روابط جنسی. ترجمه‌ی حسن پویان. تهران: انتشارات توس.
- دهقانی، صدیقه، (1380)، عوامل موثر بر انحراف اخلاقی در دختران جوان در شهر تهران، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران شمال
- ربانی خوارسگانی، علی، قانع عز‌آبادی، فرزانه، (1394)، بررسی تجارب زیسته زنان روسپی (مورد مطالعه: شهرهای یزد و اصفهان)، مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره 2.
- سلطانی‌لف‌شاکرد، فاطمه، (1386)، عوامل اجتماعی - جمعیتی موثر بر انحرافات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی
- شرافتی، جعفر، (1385)، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان خیابانی در شهر تهران، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره 22
- علیایی‌زند، شهین، (1381)، ازدواج نامناسب بستری برای روسپیگری، نشریه رفاه اجتماعی، دوره 2، شماره 5.
- فاتحی، ابولقاسم، (1389)، توصیف و تحلیل ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دختران و زنان روسپی در استان اصفهان، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، دور چهارم، شماره 2
- فارلی، ملیسا، و همکاران، (1381)، روسپیگری، خشونت و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)، ترجمه مهدیس کامکار، نشریه رفاه اجتماعی، دوره 2 شماره 5.
- فلیک، اووه (1388)، درآمدی بر تحقیق کیفی ترجمه‌های جلیلی، تهران: نشر نی.
- فولادیان، مجید، 1393، بررسی پدیده روسپیگری و شرایط اجتماعی موثر بر آن، طرح تحقیقاتی وابسته به سازمان بهزیستی خراسان رضوی.
- مدنی قهفرخی، سعید، و دیگران (1391)، بازار تن‌فروشی خیابانی زنان در کلانشهر تهران،

- مدنیقهفرخی، سعید، (1389)، مقایسه ی برخی ویژگی‌های روسپی‌های بزرگسال و کودک در شهر تهران، مجله ی بررسی مسایل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم
- مسلمی بی هندی، پروین و همکاران، (1392)، نحوه تأمین نیاز عاطفی زنان از سوی مردان و نقش آن در روسپیگری زنان، مجله پژوهش اجتماعی، دوره 6، شماره 19.
- وروایی، اکبر، (1384)، بررسی عوامل روسپیگری خیابانی در تهران بزرگ، پایان نامه دکتری، تهران

- Farley ,Melissa & Barkan, Howard ,(1998), Prostitution, Violence, and Posttraumatic Stress Disorder, woman&health, volume 27
- Graham ,Scambler(2007), Sex Work Stigma: Opportunist Migrants in London, sociology, Vol 41, Issue 6.
- <http://www.tabnak.ir/fa/news/423952>
- <https://www.havocscope.com/number-of-prostitutes/>
- Maxwell,Sheilaroyo&Maxwell,Christopher D.(2006),examining the criminal careers of prostitutes within the nexus of drug use, drug selling, and other illicit activities,criminology, Volume38, Issue3
- Sanders ,Teela,(2004), The Risks of Street Prostitution: Punters, Police and Protesters,urban studies, 41 issue: 9.
- Simons,Ronald L., Whitbeck, Les B.(1991) , Sexual Abuse as a Precursor to Prostitution and Victimization Among Adolescent and Adult Homeless Women, family issues, Volume: 12 issue: 3.